

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مهاباد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه حقوق

عنوان:

رویکرد سیاست کیفری ایران نسبت به بمب گذاری عمومی

نگارش:

علی حمیدی آذر

چکیده

رویکرد سیاست کیفری ایران نسبت به بمبگذاری عمومی بر اساس اصول و مبانی حقوقی و امنیتی تعیین میشود. قوانین کیفری ایران تلاش میکنند تا از طریق تشدید مجازات برای افراد مجرم و تقویت نظارت و حفاظت از جامعه، آسیبهای ناشی از بمبگذاری عمومی را کاهش دهند. علاوه بر این، سیاست کیفری ایران متکی بر همکاریهای بین المللی برای مقابله با بمبگذاری عمومی است. هدف از این پژوهش بررسی رویکرد سیاست کیفری ایران نسبت به بمب گذاری عمومی میباشد که نظام تقنینی ایران، به جرم انگاری صریح و جامعی در خصوص بمب گذاری نپرداخته است. پژوهش حاضر به لحاظ روش توصیفی- تحلیلی و کاربردی است که بر مبنای قوانین، رویه های قضایی و آموزه های تحلیل موضوع اقدام میکند. روش جمع آوری اطلاعات در این پژوهش استفاده از بانک های اطلاعاتی است، همچنین به منظور بررسی ادبیات و پیشینه موضوع، از مقالات معتبر، کتاب ها و سایتهای اینترنتی استفاده خواهد شد. بمب گذاری در نظام تقنینی، ایران جرم انگاری نشده است و امکان تطبیق کامل عناوین حدی محاربه افساد فی الارض و بغی بر بمب گذاری های تروریستی و غیر تروریستی وجود ندارد و با عنایت به اینکه بمب گذاری ها به لحاظ نوع بمب، انگیزه مرتکب و محل بمب گذاری با یکدیگر متفاوت اند، نمیتوان سیاست کیفری واحدی را در قبال تمامی انواع بمب گذاریها دنبال نمود. از این رو اساسی ترین ضرورت تقنینی درباره بمب گذاری در حقوق، ایران جرم انگاری این پدیده جنایی است.

کلید واژها: بمب گذاری عمومی، سیاست کیفری، قانون کیفری، مجازات

مقدمه

بمب، محفظه ای مخروطی یا استوانه ای شکل است که درون آن مواد منفجره می ریزند و به چاشنی مجهز می یکنند و گاه به وسیله هواپیما به زمین پرتاب می کنند تا بر اثر اصابت بر زمین منفجر شود و گاه به وسیله الکتریسیته یا فتیله آلوده به ماده قابل اشتعال و وسایل دیگر در روی زمین منفجر میکنند دهخدا (۱۳۷۷: ۴/۴۹۹۷). بندج ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان اسلحه و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰ بمب را در معنای خاص، کلمه، زیر مجموعه مهمات تلقی کرده و از آنجا که مهمات را در قالب یک «مظروف» تعریف نموده است، شاید گفته شود که سایر انواع مواد منفجره را که در قالب یک مظروف نیستند، مثل دینامیت، نمی توان زیر مجموعه تعریف بمب دانست با وجود، این مواد منفجره در اغلب موارد، در داخل یک مظروف یا محفظه مورد استفاده قرار میگیرند و همین امر برای اطلاق عنوان بمب به آنها کافی است. به علاوه در اسناد بین المللی و از جمله در «کنوانسیون سرکوب بمب گذاری های تروریستی ۱۹۹۷، نیویورک در حالی که موضوع این کنوانسیون مبارزه با بمب گذاری های تروریستی است اما در قسمت الف از بند ۱۹۹۷.۳ Convention on Suppression of Terrorist Bombing،

از ماده ۱ این کنوانسیون به تعریف وسیله منفجره به عنوان مصداق بمب پرداخته است. از این رو میتوان گفت که بمب در معنای عام کلمه میتواند شامل مواد منفجره ای گردد که مقدمات انفجار آنها از قبیل نصب فتیله و زمان سنج در آنها تعبیه شده است. بمب ها را میتوان از جنبه های مختلفی تقسیم بندی نمود با بررسی مهم ترین انواع بمبها معلوم می شود که اصطلاح بمب گذاری صرفاً دارای یک معنای واحد و بالتبع یک حکم واحد نیست. اگرچه در اکثر موارد، یک بمب ساعتی نظامی جهت بمب گذاری استفاده میشود اما چه بسا مواردی که در آنها بمب گذار از یک بمب غیر نظامی و یا صوتی - مثلاً جهت مصارف معدنی و یا صید ماهی استفاده نموده است. از این رو، دقت در بررسی نوع بمب مورد استفاده برای تعیین دقیق حکم بمب گذاری در حقوق کیفری بسیار حائز اهمیت است.

استفاده از بمب اشکال گوناگونی از قبیل بمباران هوایی و بمب گذاری دارد. اما در سالهای اخیر میتوان شاهد افزایش و رواج روش بمب گذاری در مناطق مختلف جهان و از جمله در ایران بود نکته مهمی که در اینجا باید روشن گردد این است که معنای دقیق بمب گذاری به لحاظ حقوقی چیست؟ با مطالعه در اسناد بین المللی و سایر نظام های حقوقی میتوان متوجه شد که در زمینه تعریف بمب گذاری، اختلاف نظرانی وجود دارد. برخی از نظامهای حقوقی مانند نظام حقوقی ایالت اوکلاهما» از ایالات متحده آمریکا، صرفاً مفهوم «جاسازی» را برای معنای بمب گذاری استفاده نموده اند (۲۰۱۴: ۱۷۶۷.۱-۲۱) اما در برخی دیگر از نظام های حقوقی مانند نظام حقوقی استرالیا و در کنوانسیون بین المللی سرکوب بمب گذاریهای تروریستی، در کنار مفهوم «جاسازی» از مفاهیم دیگری همچون «تحویل» و «شلیک» و «منفجر نمودن» بمب نیز برای معنای بمب گذاری استفاده شده است. این امر بدین معناست که از منظر قبلی، صرفاً «جاسازی» یک بمب در یک محل می تواند بمب به معنای بمب گذاری تلقی گردد؛ اما از دیدگاه اخیر علاوه بر جاسازی یک بمب می توان تحویل یک بمب در محل مقصد را توسط مرتکب و «شلیک» یک بمب به محل مقصد و یا «منفجر نمودن آن را نیز یک بمب گذاری تلقی نمود. با مقایسه دو دیدگاه فوق میتوان گفت که دیدگاه اول دیدگاهی مضیق، و دیدگاه است. شاید برگزیدن یک دیدگاه میانه، درست باشد؛ زیرا از دیدگاهی موسع ا یک سو امروزه برخی از بمب گذاران از بمبهای نامه ای استفاده نموده و شخصاً یا به وسیله اشخاص دیگر و از جمله اداره پست بمب را به محل مورد نظر «تحویل» می نمایند. از سویی دیگر، پذیرفتن دیدگاه موسع موجب خواهد شد که از تعریف لغوی و اصطلاحی بمب گذاری فاصله گرفته شود؛ زیرا اصطلاح بمب گذاری در زبان فارسی قاعداً نمی تواند شامل «شلیک» بمب به سوی هدف مورد نظر شود و استفاده از این اصطلاح در کنوانسیون فوق الذکر شاید به علت وسعت معنایی کلمه bombing یعنی استفاده از بمب در زبان انگلیسی بوده است. در نتیجه معنای بمب

گذاری در ادبیات حقوق کیفری فارسی را میتوان جاسازی یعنی قرار دادن یا تحویل بمب در مکان معین جهت انفجار و یا منفجر نمودن آن در آن مکان دانست.

حال درباره موضع سیاست کیفری ایران در قبال بمب گذاری، آیا قوانین جاری ایران، این رفتار را جرم انگاری نموده اند؟ آیا عناوین حدی موجود در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نظیر، محاربه برای تطبیق بر تمامی مصادیق بمب گذاری کافی هستند؟ آیا درباره شخصی که در مراسم چهارشنبه سوری یک بمب صوتی را جهت انفجار داخل آتش در خیابانی قرار میدهد و یا یک بمب دودزا را جهت انفجار در داخل ورزشگاه فوتبالی قرار میدهد میتوان از همان سیاست کیفری تبعیت نمود که در قبال بمب گذاریهای تروریستی به وسیله بمبهای نظامی و یا کشتار جمعی قابل طراحی و اجراست؟ راهکارهای اصلاح سیاست کیفری کنونی کدام است؟ برای پاسخ به این پرسشها با روش توصیفی - تحلیلی ابتدا وضعیت بمب گذاری در قوانین کنونی ایران بررسی گردیده، سپس برای اصلاح سیاست کیفری ایران و با مطالعه برخی نظامهای حقوقی دیگر که توجه بیشتری به این موضوع داشته اند، به ضرورت جرم انگاری بمب گذاری، عناصر سه گانه این جرم و کیفرگذاری در قبال آن پرداخته شده است.

۱. بمب گذاری در قوانین کنونی ایران

به رغم وقوع بمب گذاری در داخل ایران، در هیچ یک از قوانین جاری ایران به جرم انگاری صریح و کیفرگذاری نظام مند برای این پدیده جنایی پرداخته نشده است؛ بلکه صرفاً در برخی قوانین، به شکل فرعی به جرم انگاری برخی رفتارهای مرتبط با بمب گذاری اشاره شده است. افزون بر این هیچ یک از عناوین حدی موجود در قوانین جاری نظیر، محاربه امکان تطبیق کامل بر تمامی انواع بمبگ ب گذاری تروریستی و غیر تروریستی را ندارند.

۱-۱. قوانین مشتمل بر تصریح به بمب گذاری

در میان قوانین مختلف ایران میتوان به سه ماده قانونی اشاره نمود که به عنوان بمب گذاری تصریح نموده اند. نخست ماده ۵۱۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵؛ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛ و سوم ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ (اصلاحی ۱۳۹۷). تنها یکی از این مواد قانونی، به جرم انگاری برخی رفتارها اعم از تهدید به بمب گذاری و ادعای وقوع آن اختصاص یافته و دو ماده قانونی دیگر، خالی از هر گونه جرم انگاری درباره بمب گذاری اند.

۱-۱-۱. جرم انگاری تهدید به بمب گذاری و «ادعای» وقوع آن

ماده ۵۱۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، هرگز بمب گذاری را جرم انگاری ننموده است؛ بلکه صرفاً «تهدید» به آن و یا طرح «ادعای بمب گذاری را جرم انگاری نموده است. این ماده قانونی به عنوان عنصر قانونی، متضمن جرم انگاری دو رفتار است؛ نخست، تهدید به بمب گذاری و دوم ادعای بمب گذاری. تفاوت های اساسی میان این دو رفتار مشخص است؛ زیرا تهدید نسبت به آینده ولی ادعا مربوط به گذشته است. «تهدید مربوط به عمل خود شخص، ولی ادعا غیر از آن هم می تواند باشد. تهدید می تواند دروغ یا صادق باشد، ولی ادعا حتماً صادق است؛ چون اگر غیر از این باشد، یعنی صرفاً بحثی از گذشته مطرح کرده که زمان آن سپری شده و دروغ بودن آن مشخص شده و ارزشی ندارد میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۱۳۳. به لحاظ عنصر مادی در این ماده قانونی سؤال این است که مرتکب باید ادعا یا تهدید به بمب گذاری را نسبت به کدام مکان یا کدام مال مطرح کرده باشد؟ ماده قانونی مذکور صراحتاً و صرفاً به تهدید یا ادعای بمب گذاری در وسایل نقلیه اعم از هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی اشاره نموده است. از این رو، این ماده شامل تهدید یا ادعای بمب گذاری در اماکن عمومی از قبیل ورزشگاه ها، ایستگاه ها و ... نمی گردد. اما در چارچوب موضوعات

مندرج در این ماده، می‌توان پرسید که آیا این ماده شامل تهدید یا ادعای بمب‌گذاری در هواپیما یا کشتی خصوصی میشود؟ به تعبیر دقیق‌تر آیا عبارت «عمومی» در انتهای وسایل نقلیه عمومی را می‌توان وصف هواپیما یا کشتی نیز دانست یا خیر؟ برخی از حقوقدانان بر این باورند که عبارت «عمومی»، شامل هواپیما و کشتی نمیشود. اما شاید نظر صحیح این باشد که با توجه به سیاق ماده و ذکر مقوله کلی وسایل نقلیه عمومی و در نظر گرفتن اصل تفسیر برای احراز مقصود قانون‌گذار و تفسیر مضیق به نفع متهم عبارت عمومی، وصف هواپیما و کشتی نیز می‌باشد و بدین ترتیب عنصر مادی این ماده شامل تهدید یا ادعای بمب‌گذاری در هواپیما و کشتی خصوصی نمیشود اما چنانچه هواپیما یا کشتی خصوصی بوده و مورد استفاده عمومی باشد، به عنوان وسیله نقلیه عمومی مشمول حکم قرار می‌گیرد. در واقع آنچه باید انجام شود اصلاح نظام تقنینی در قبال تهدید و ادعای بمب‌گذاری است؛ چرا که در نظام‌های حقوقی دیگر از جمله در نظام حقوقی ایالت نبراسکا^۱ از ایالات متحده آمریکا، تهدید و ادعای بمب‌گذاری نه تنها شامل هر ساختمان و وسیله نقلیه عمومی و خصوصی می‌شود، بلکه اساساً هر گونه مال منقول یا غیر منقولی را در بر می‌گیرد (Nebraska Revised Statutes, 2006: 1221-28) زیرا با توجه به موج احساس ناامنی که از تهدید یا ادعای بمب‌گذاری در هر مکان در جامعه ایجاد میشود، تفکیک قائل شدن میان اموال، اماکن یا وسیله نقلیه به لحاظ عمومی یا خصوصی بودن آنها نارواست. البته این نظر به معنای پذیرش مجازات یکسان برای تهدید یا ادعای بمب‌گذاری در انواع مختلف اموال یا اماکن مذکور نیست. مسئله دیگری که در خصوص عنصر مادی در این ماده قانونی قابل طرح مخاطب تهدید یا ادعای بمب‌گذاری است. با توجه به اینکه در این ماده، مخاطب رفتارهای مرتکب مشخص نشده است برخی معتقدند از آنجا که هدف مرتکب، تشویش اذهان عمومی و برهم زدن امنیت کشور است و ماده هم به ارتکاب جرم در وسایل نقلیه عمومی اشاره کرده است که معمولاً متعلق به دولت است، پس جرم جنبه سیاسی داشته و شکی نیست که مخاطب آن حکومت و مسئولان کشورند و نه عموم مردم (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۳۶۰). با این حال نظر درست‌تر این است که برای اینکه رفتار مجرمانه مرتکب قابلیت تشویش اذهان عمومی و برهم زدن امنیت کشور را داشته باشد، ضرورتی ندارد که مخاطب آن حکومت و مسئولان کشور باشند، بلکه لازم است که اطلاع رسانی تهدید و یا ادعای بمب‌گذاری مفید فایده باشد و بدین ترتیب اعلان عمومی به مردم هم کافی مقصود خواهد بود میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۱۳۴). به لحاظ عنصر روانی، جرایم مندرج در این ماده جرایمی عمدی اند و علاوه بر علم و عمد نسبت به فعل مجرمانه باید قصد تشویش اذهان عمومی و برهم زدن امنیت کشور در مرتکب وجود داشته باشد و صرف هدف به خطر انداختن جان یک فرد یا عداوت شخصی کافی نیست. همچنین اطلاع رسانی با حسن نیت در خصوص وقوع بمب‌انگاری گذاری به مردم جهت پراکندن آنها از محل مورد نظر نمی‌تواند مجرمانه تلقی شود (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۳۵۹).

۱-۲-۱. تصریح بدون جرم

قانون‌گذار ایرانی در دو ماده قانونی بدون جرم‌انگاری، به بمب‌گذاری تصریح نموده است؛ نخست در بندت ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، و دوم، در ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم.

۱-۲-۱-۱. بمب‌گذاری در اماکن عمومی مبنایی برای عمدی دانستن جنایات

ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد:

«جنایت در موارد زیر عمدی محسوب میشود ... ت- هر گاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی، مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود مانند اینکه در اماکن عمومی بمب‌گذاری کند». این ماده و بندت ذیل آن، هرگز هیچ رفتاری را در رابطه با خود بمب‌گذاری، جرم‌انگاری ننموده، بلکه به بمب‌گذاری در

اماکن عمومی» پرداخته و آن را تمثیلی برای «عمدی تلقی نمودن جنایت ارتكابی در مواردی دانسته که مرتکب، عمد قبلی- در تعیین هدف معین نداشته است برای آگاهی بیشتر ر.ک حاجی ده آبادی، ۱۳۹۷: ۲۹۵).

۱-۲-۲. بمب گذاری در اماکن عمومی

مصادقی از تروریسم مقنن در شماره ۸ از بند ب ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ اصلاحی (۱۳۹۷ به بمب گذاری در اماکن عمومی تأسیسات دولتی، شبکه حمل و نقل عمومی یا تأسیسات زیرساختی تصریح نموده است. اما این تصریح نه به منظور جرم انگاری این گونه بمب گذاریها، بلکه جهت اشاره به جرایمی بوده که ارائه هر گونه «تأمین مالی به آنها جرم و قابل مجازات است. در واقع: گذاری بمب در اماکن مذکور جرم انگاری نشده بلکه تأمین مالی برای آن، مثل انتقال پول به حساب بمب گذار جرم انگاری شده است. عبارت مندرج در شماره ۸ از بند ب ماده ۱ قانون فوق الذکر را می توان ترجمه عبارت پایانی بند ۱ از ماده ۲ «کنوانسیون سرکوب بمب گذاریهای تروریستی» ۱۹۹۷ میلادی دانست. یعنی در حالی که نظام حقوقی ایران الحاق به این کنوانسیون را نپذیرفته است، اما از مندرجات، آن جهت تعریف بمب گذاری تروریستی استفاده می نماید. با وجود این، این استفاده نمیتواند جبران کننده خلأ تقنینی در جرم انگاری بمب گذاریهای تروریستی به طور خاص و بمب گذاریهای غیر تروریستی به طور عام باشد. توضیح اینکه در همین بند ب ماده ۱ قانون فوق الذکر، تصریح شده است که ارتكاب اعمال زیر و از جمله بمب گذاری در اماکن عمومی و... صرف نظر از انگیزه مرتکب و نتیجه حاصله تروریستی محسوب میشوند. منظور مقنن از اشاره به عدم نیاز به وجود انگیزه، این بوده است که در اعمال مجرمانه زیر، نیازی به اثبات وجود «انگیزه تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمانهای بین المللی مشابه آنچه در بندهای الف و ب این ماده ذکر شده است. نیست. تروریستی با وجود این، خلأ تقنینی در خصوص تعیین عنصر روانی بمب گذاری تروریستی احساس میشود؛ چرا که زمانی میتوان یک بمب گذاری در اماکن عمومی را قلمداد نمود که طبق بند ۱ از ماده ۲ کنوانسیون پیش گفته، بمب گذاری در اماکن مذکور با یکی از دو هدف زیر همراه باشد: «الف به قصد قتل یا ایراد صدمه شدید بدنی، ب به قصد تخریب گسترده آن مکان در صورتی - که قطعاً یا احتمالاً موجب خسارت عمده اقتصادی گردد. طبیعی است که اگر فردی به قصد ایجاد شوک و شادی در میان حاضران چنین رفتاری را مثلاً در چهارشنبه سوری با یک بمب صوتی کوچک در یک پارک انجام دهد و هیچ صدمه بدنی یا خسارت مالی ایجاد نکند نمیتوان چنین فردی را بر اساس معیارهای کنوانسیون مذکور مرتکب بمب گذاری تروریستی دانست با این حال در وضعیت فعلی موجود در نظام قانونی ایران، می توان تأمین کننده مالی این فرد را به جرم تأمین مالی تروریسم، مورد تعقیب قرار داد! در این مورد استناد به انتهای ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در رابطه با کفایت علم به وقوع، نتیجه نمی تواند مشکل را حل نماید چون در فرض مذکور، بمب صوتی نتیجه خسارت باری نداشته است.

۱-۲. قوانین مشتمل بر اشاره به بمب گذاری

برخی از قوانین داخلی ایران بدون تصریح به بمب گذاری، مشتمل بر موادی اند که به طور مستقیم در خصوص استفاده از مواد منفجره و به طور غیر مستقیم درباره بمب گذاری به قاعده گذاری کیفری پرداخته اند در میان قوانینی که ناظر بر استفاده از مواد منفجره اند، برخی به جرم انگاری استفاده از مواد منفجره پرداخته اند و برخی استفاده از مواد منفجره را عامل تشدید مرتکبان جرایمی مانند تخریب کیفری دانسته اند.

۱-۲-۱. جرم انگاری

استفاده از مواد منفجره در خصوص جرم انگاری استفاده از مواد منفجره میتوان به سه ماده قانونی مشخص اشاره نمود.

۱-۲-۱-۱ جاسازی مواد منفجره در صنعت نفت

برخی نویسندگان، احراق و تخریب صنایع مربوط به انرژی اتمی از نفت و گاز و برق را زیر مجموعه مفهومی تحت عنوان تروریسم علیه انرژی» به شمار آورده اند و به درستی بر این باورند که اعمالی همچون خرابکاری در تأسیسات عمومی مانند نفت و گاز و برق را که با قصد ایجاد هراس در مردم انجام میشود، می توان مصداقی از تروریسم علیه انرژی به شمار آورد. به سخن دیگر، در این نوع تروریسم، ترور اشخاص هدف نیست بلکه تروریست ها می کوشند با اقدامات خود و با استفاده از خشونت در جامعه هراس افکنی کنند اسدی جونوشی و وروایی، ۱۳۹۷: ۳۲۶). اگرچه در نظام حقوقی ایران، تروریسم علیه انرژی مفهوم سازی نشده است، اما مواد قانونی پراکنده ای از باب مصداق وجود دارد نزدیک ترین مقرر قانونی به ب گذاری در حقوق ایران، ماده ۷ قانون راجع به مجازات اخلاگران در صنعت نفت ایران مصوب ۱۳۳۶ است که اشعار می دارد «هر کس به قصد سوء مواد منفجره را در هر قسمت از ابنیه یا معابر یا دستگاه ها یا تأسیسات نفت بگذارد، به حبس مجرد از دو تا ده سال محکوم می شود». منظور از قصد سوء در اینجا قصد احراق یا تخریب کیفری این اماکن است. همان گونه که ملاحظه میشود در این ماده قانونی صرف جاسازی مواد منفجره در اماکن مزبور به انگیزه انفجار جرم انگاری شده است و نه منفجر یا منهدم نمودن این اماکن. از این رو، این ماده مشابهت زیادی با مفهوم بمب گذاری علیه انرژی دارد، ولی تمامی صنایع مربوط به انرژی اتمی از نفت و برق و انرژی هسته ای را در بر نمی گیرد و به اماکن، ابنیه و تأسیسات صنعت نفت محدود - گشته است.

۱-۲-۱-۲ جاسازی مواد منفجره در صنایع بزرگ هشت گانه ایران

علاوه بر انرژی به طور عام و صنعت نفت به طور خاص، قانون گذار ایرانی با توجه به روند رو به رشد استفاده از مواد منفجره از سوی گروههای مارکسیستی در دهه پنجاه خورشیدی، جرم انگاری های ویژه ای را در رابطه با برخی صنایع ایران اتخاذ نمود. در این راستا، ماده ۱ قانون مجازات اخلاگران در صنایع مصوب ۱۳۵۳، قرار دادن مواد منفجره در هر قسمت از ابنیه یا معابر یا دستگاه ها یا تأسیسات شرکت ملی ذوب آهن ایران، شرکت سهامی ماشین سازی، اراک شرکت سهامی ماشین سازی تبریز، شرکت سهامی آلومینیوم ایران شرکت سهامی معدن مس سرچشمه کرمان، شرکت ملی صنایع فولاد ایران شرکت هواپیمایی ملی ایران و شرکت صنایع هلیکوپتر ایران یا شرکتهای فرعی یا واحدهای تابع آنها و همچنین فرودگاه ها یا ایستگاههای هوایی و یا تأسیسات فنی هواپیمایی کشوری را به قصد حرق و تخریب، جرم انگاری نموده و برای مرتکبان، از پنج تا پانزده سال حبس در نظر گرفته است. در این ماده در خصوص عنصر روانی لازم از دو تعبیر استفاده شده است؛ نخست، قصد حرق یا تخریب منظور از هر دو، تعبیر اشاره به انگیزه مجرمانه قصد سوء و دوم چر/ که است؛ جرم مورد نظر، یک جرم مقید به نتیجه نیست تا بتوان قصد نتیجه ای را برای آن در نظر گرفت و با فرض اینکه مقنن دارای حکمت است و حرف تکراری و بیهوده نمیزند شاید بتوان گفت که منظور از قصد سوء با توجه به عبارات مواد ۲ و ۳ همین قانون، انگیزه اخلاص در صنایع یا خرابکاری در آنهاست. با وجود این، با توجه به اینکه در ماده ۱ صراحتاً به این انگیزه اشاره نشده است، باید گفت که سوءنیت لازم در این ماده، مشتمل بر انگیزه ایجاد ناامنی است. نکته قابل انتقاد در

خصوص سیاست کیفری ایران در قبال استفاده از بمب در صنایع ایران، این است که مقنن ایرانی صرفاً به استفاده از بمب در شرکت های صنعتی خاصی پرداخته است. بدین ترتیب قانون مذکور شامل استفاده از مواد منفجره در سایر صنایع بزرگ ایران مانند صنایع خودروسازی، صنایع غذایی، صنایع داروسازی، صنایع دفاعی و استراتژیک تأسیسات بندری و دریایی تأسیسات و شبکه های مخابراتی نمی شود. همچنین این ماده شامل سایر واحدهای صنعتی و تولیدی و کارخانجات کوچکتر و نیز وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی مندرج در ماده ۶۸۷ قانون تعزیرات نمی شود.

۱-۲-۳. استفاده از مواد منفجره علیه محیط زیست

طبق ماده ۴۲-۱ قانون جزای فرانسه وارد کردن عمدی ماده ای که سلامت انسان، حیوانات یا محیط طبیعی را به خطر می اندازد، در هوا خاک و لایه زیرین، خاک مواد غذایی یا عناصر مواد غذایی یا در آبها از جمله قلمرو دریایی در صورتی که در ارتباط با یک اقدام فردی یا جمعی و به هدف اخلاص شدید در نظم عمومی از راه هراس افکنی یا ایجاد ترس صورت گیرد، یک عمل تروریستی است». مفاد این ماده را میتوان مشتمل بر تعریف تروریسم زیست محیطی دانست (میرکمالی، حاجیوند، و صفری، ۱۳۹۷: ۴۲۶). در حقوق ایران بحثی تحت عنوان تروریسم زیست محیطی در قوانین وجود ندارد. البته در ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به جرم انگاری تهدید علیه بهداشت عمومی از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی و... به عنوان یک جرم عمومی پرداخته شده است؛ چرا که مجازات مندرج در آن، حداکثر تا یک سال حبس در نظر گرفته شده است. اما در خصوص استفاده از مواد منفجره علیه محیط زیست به عنوان یک جرم غیر تروریستی در حقوق ایران میتوان به دو قانون اشاره نمود؛ نخست اینکه به موجب ماده ۱۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۴، «حمل» و استفاده از ابزار و ادوات صیادی غیر مجاز و همچنین موادی از قبیل مواد منفجره ... ممنوع است و طبق بند ج ماده ۲۲ همین قانون، مرتکبان به پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال و مصادره محصولات صیادی و ابزار و آلات صید محکوم میگردد ضمانت اجرای مندرج در این قانون، مصوب مخصوص استفاده از مواد منفجره در هنگام صید آبزیان است. به علاوه درباره استفاده از مواد منفجره در شکار جانداران وحشی، طبق بند ج از ماده ۱۳ قانون شکار و صید اصلاحی ۱۳۷۵، «شکار، صید یا کشتار جانداران وحشی با استفاده از سموم و مواد منفجره و امثال آن...» جرم بوده و بر اساس قسمت صدر این ماده، مرتکبان به مجازات حبس از ۹۱ روز تا ۳ سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد هزار ریال تا بیست میلیون ریال و در صورت تکرار به هر دو مجازات محکوم می شوند.

۱-۲-۲. استفاده از مواد منفجره به عنوان عامل تشدید مجازات

در برخی از مواد قانونی بدون جرم انگاری، صرفاً استفاده از مواد منفجره در اثنای ارتکاب جرمی دیگر به عنوان عامل تشدید مجازات مرتکبان آن جرم در نظر گرفته شده است.

۱-۲-۱. تخریب یا احراق کیفری مشدده

به موجب ماده ۶۷۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ «هر گاه جرایم مذکور در مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ به وسیله مواد منفجره واقع شده باشد، مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس است». منظور از مواد منفجره در این ماده موادی مثل بمب، مین نارنجک و باروت است. مقنن به علت خطرات بالقوه و بالفعل بیشتر در این نوع تخریب و ایجاد هراس و وحشت بیشتر در میان مردم مجازات مرتکب را تشدید نموده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۲۲۱). نکته مهمی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که چرا ماده ۶۷۸ مذکور فقط شامل تشدید جرایم مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ مزبور گردیده است؟ آیا جرایم مندرج در مواد بعدی از جمله تخریب درختان موضوع ماده (۶۸۶)، تخریب وسایل و مورد استفاده عمومی موضوع ماده ۶۸۷ و تخریب محیط زیست با استفاده از مواد منفجره امکان پذیر نیست؟ تأسیسات در نظام حقوقی برخی کشورهای دیگر و از جمله در «حقوق مصر»، استفاده از مواد منفجره صرفاً یک عامل مشدده برای جرم تخریب یا احراق محسوب نمی‌شود؛ بلکه نفس استفاده از مواد منفجره به عنوان یک موضوع مستقل مورد جرم انگاری قرار می‌گیرد. باب دوم مکرر از قانون جزای مصر مصوب ۱۹۳۷ میلادی با اصلاحات ۲۰۰۳ میلادی در ماده ۱۰۲ با عنوان «المفرقات» به تولید یا استفاده از مواد منفجره اختصاص یافته است طبق بند ب از ماده ۱۰۲ مذکور «هر کس مواد منفجره را با هدف ارتکاب جرایم مقرر در ماده ۸۷ این قانون یعنی اقدام برای تغییر قانون اساسی یا نظام جمهوری یا نوع حکومت مصر یا بانیت ارتکاب قتل سیاسی یا تخریب اماکن و ساختمانها یا مؤسسات مورد استفاده عموم یا اماکن عمومی، مورد استعمال قرار دهد محکوم به اعدام میشود» (حجاریان، ۱۳۸۸: ۲۲۹) در بندهای «ج» و «د» این ماده به ترتیب به جرم انگاری استفاده از مواد منفجره و شروع به استفاده از آنها به شکلی که حیات مردم به خطر افتد و موجب خطر برای اموال دیگران شود، پرداخته شده است. بدین ترتیب هر چند سیاست کیفری مصر در قبال استفاده از مواد منفجره سیاستی کامل و بی نقص نیست؛ اما نسبت به سیاست کیفری ایران که در آن استفاده از مواد منفجره برای تخریب کیفری صرفاً به عنوان عامل تشدید مجازات برای مرتکبان جرایم مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ قانون تعزیرات تلقی شده، برتری دارد.

۱-۲-۲. تشدید مجازات اخلاص کنندگان در امنیت پرواز هواپیما

به موجب ماده ۱ قانون مجازات اخلاص کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹ کسانی که با اجبار یا ارباب هواپیمای آماده پرواز یا در حال پروازی را در اختیار گیرند یا موجب تغییر مسیر یا مقصد هواپیما یا موجب فرود آن در مکانی غیر از مقصد آن شوند، به ۳ تا ۱۵ سال حبس محکوم می‌شوند. در صورتی که ارباب یا اجبار به وسیله مواد منفجره باشد، چنانچه مرتکب یک نفر باشد به حداکثر مجازات و چنانچه بیش از یک نفر باشند، ابد محکوم میشوند. البته مجازات حبس ابد با توجه به قاعده «التعزیر دون الحدّ مخالف موازین شرعی است و ماده مذکور در این قسمت لازم الاجرا نیست.

به حبس همان طور که روشن است، در این ماده به جای جرم انگاری بمب گذاری در داخل هواپیما، صرفاً استفاده از مواد منفجره را در شرایطی عامل تشدید مجازات دانسته است که برای ارباب یا اجبار در راستای در اختیار گرفتن کنترل هواپیما، تغییر مسیر یا مقصد و یا محل فرود آن مورد استفاده قرار گرفته باشند مالمیر (۱۳۹۳: ۶۰). حال اگر یک بمب گذار بدون انگیزه در اختیار گرفتن کنترل هواپیما یا تغییر مسیر، مقصد یا محل فرود آن، مرتکب چنین عملی شود، آیا رفتار وی جرم است؟ با توجه به مفاد ماده ۱ قانون مجازات اخلاص کنندگان در صنایع مصوب ۱۳۵۳ که صرفاً استفاده از مواد منفجره را در داخل فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های هوایی و یا تأسیسات فنی هواپیمایی کشوری جرم انگاری کرده است ناچار جهت یافتن عنصر قانونی برای بمب گذاری در داخل هواپیما باید به سراغ ماده ۲ قانون مجازات اخلاص کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹ رفت. بر اساس این ماده قانونی، کسانی که به منظور اخلاص در پرواز یا خرابکاری در هواپیما اشیایی با خود در هواپیما حمل نمایند

یا در هواپیما قرار دهند یا به هواپیما ارسال نمایند که موجب ایراد آسیب به هواپیما یا افراد داخل آن یا اموال موجود در آن شود به ۳ تا ۱۵ سال حبس محکوم می‌شوند. در واقع باید مواد منفجره یا بمب را در زمره اشیاء قرار داد نتیجه چنین قانون گذاری آن است که تفاوتی میان بمب گذاری و حمل یک چاقو در هواپیما وجود ندارد.

۳-۱. امکان سنجی

تطبیق محاربه، افساد فی الارض و بغی بر بمب گذاری شاید یکی از عللی که مانع جرم انگاری بمب گذاری در نظام حقوقی ایران بوده، گرایش رویه قضایی به استناد به جرایم حدی و به خصوص جرم محاربه، در مواجهه با موارد بمب گذاری بوده است؛ چنان که دستگاه قضایی در برخورد با مرتکبان اعمال تروریستی، بسیاری از آنان را مشمول عنوان محاربه دانسته است» (حبیب زاده و حکیمی ها، ۱۳۸۶: ۵۸). آیا به راستی تمامی موارد بمب گذاری را میتوان با محاربه یا افساد فی الارض و یا بغی تطبیق داد؟ و دیگر نیازی به جرم انگاری مستقل در این باره وجود ندارد؟ برای پاسخ به این پرسش در ابتدا لازم است که بمب ب گذاری تروریستی از بمب گذاری غیر تروریستی تفکیک شود. بمب گذاری تروریستی در کنوانسیون سرکوب بمب گذاری های تروریستی» ۱۹۹۷، مواردی را شامل میشود که در آنها هر شخصی به طور غیر قانونی و عمدانه یک ماده منفجره یا کشنده رادیواکتیو یا شیمیایی یا بیولوژیک را در داخل یا به سوی داخل یا مقابل یک مکان عمومی تأسیسات دولتی یا حکومتی، شبکه حمل و نقل عمومی یا تأسیسات زیرساختی، تحویل جاسازی، شلیک یا منفجر نماید و یکی از مقاصد زیر را داشته باشد: الف به قصد ارتکاب قتل یا ایراد صدمه بدنی شدید یا ب به قصد تخریب گسترده، مکان تأسیسات یا شبکه فوق الذکر به گونه ای چنین تخریبی قطعاً یا احتمالاً موجب خسارت عمده اقتصادی شود». البته طبق راهنمای سازمان ملل متحد برای قانون گذاری درباره کنوانسیونها و پروتکلهای جهانی ضد تروریسم» برخی کشورها مانند انگلستان در «قانون تروریسم» مصوب ۲۰۰۰، سه نکته به تعریف فوق اضافه نموده اند 2003 16 طبق ماده ۱ از بخش اول «قانون تروریسم مذکور، اولاً علاوه بر اقدام عملی در راستای بمب گذاری حتی تهدید به بمب گذاری نیز کافی است. ثانیاً ارتکاب فعل یا تهدید به آن باید با انگیزه پیشبرد یک هدف سیاسی، مذهبی، نژادی و یا عقیدتی باشد». ثالثاً طبق بند (e) از بند ۲ از ماده ۱ مذکور، موضوع بمب گذاری تروریستی علاوه بر اماکن عمومی و تأسیسات فوق الذکر میتواند شامل سیستمهای رایانه ای نیز بشود. با توجه به مطالب فوق درباره تعریف بمب گذاری تروریستی روشن می شود که سایر بمب گذاریها مثلاً بمب گذاری در یک منزل شخصی به قصد قتل صاحب خانه، همچنین بمب گذاری در یک مکان عمومی اگر به قصد قتل یا ایراد صدمه شدید بدنی یا تخریب کیفری گسترده، نباشد تروریستی محسوب نمی شود. حال که بمب گذاری تروریستی از بمب گذاری غیر تروریستی تفکیک گردید، برای پاسخ گویی به سؤال مطروحه درباره تطبیق عنوان محاربه بر بمب گذاری، ابتدا به بررسی حسب که تطبیق این عنوان بر بمب گذاری تروریستی پرداخته میشود جرم م تعریف ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی عبارت است از: کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها، به نحوی - موجب ناامنی در محیط گردد هر گاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب امنیت نشود، محارب محسوب نمیشود». با توجه به این تعریف امکان تطبیق عنوان محاربه بر برخی از بمب گذاری های تروریستی وجود دارد؛ چرا که بمب نوعی سلاح کشنده است و برخی از مرتکبان دارای انگیزه ارباب عمومی اند اما با توجه به اینکه محاربه، مستلزم کشیدن سلاح است و میتوان در سلاح» تلقی نمودن بمب تردید نمود و بنا به دلایل زیر، عنوان محاربه قابل تطبیق به تمامی موارد بمب گذاری تروریستی نیست. ۱. از لحاظ عنصر مادی، محاربه مستلزم کشیدن سلاح است؛ یعنی آماده نمودن سلاح برای درگیری مانند کسی که به وسیله هفت تیری که مسلح شده به سوی مردم نرود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷ (۵۰). از این رو سلاح باید مسلح شده و شمشیر باید از غلاف باشد و در مورد بمب، مرتکب باید آن را مسلح

نموده باشد، یعنی زمان سنج بیرون آمده نشانه یا فتیله آن را روشن کرده باشد تا بتوان محاربه را محقق دانست. اما در بمب گذاری تروریستی چنین چیزی شرط نیست؛ زیرا در کنوانسیون سرکوب بمب گذاری های تروریستی «صراحتاً، تحویل، جاسازی شلیک و منفجر نمودن، از یکدیگر تفکیک شده و ارتکاب یکی از آنها مثلاً تحویل» یا «جاسازی» بمب بدون فعال نمودن آن نیز کفایت می کند. هرچند فرد دیگری بمب را فعال و آن را «منفجر» نماید. 2. به لحاظ شرط، نتیجه هرچند جرم محاربه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ جرمی مطلق بود اما طبق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، این جرم، جرمی مقید به نتیجه است؛ یعنی باید در نتیجه رفتار مرتکب عملاً ارباب و احساس ناامنی در محیط اتفاق افتد (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۷۳) و حال آنکه بمب گذاری تروریستی هرگز مقید به نتیجه نیست و صرف ارتکاب بمب گذاری در اماکن عمومی یا تأسیسات دولتی و حکومتی یا زیرساختی یا شبکه های حمل و نقل عمومی یا سیستم های رایانه ای کافی به مقصود است؛ هر چند چنین اقداماتی بدون اطلاع عمومی بوده یا پیش از ایجاد ناامنی توسط پلیس کشف و خنثی شود. 3. به لحاظ عنصر روانی قصد ارباب به همراه تحصیل مال در محاربه به معنای قصد تحصیل مال است. اما در بمب گذاری تروریستی نه تنها چنین هدفی کافی نیست، مکان یا تأسیسات عمومی باید به گونه ای باشد که قطعاً یا احتمالاً بلکه انگیزه تخریب. موجب خسارت عمده اقتصادی گردد. 4. در قوانین برخی کشورها مانند انگلستان حتی تهدید به بمب گذاری تروریستی نیز در حکم آن است. اما در مورد محاربه ارتکاب عملی رفتار لازم است. 5. در قوانین برخی کشورها نظیر انگلستان به لحاظ عنصر روانی، در بمب گذاری تروریستی داشتن انگیزه پیشبرد اهداف سیاسی، مذهبی، نژادی یا عقیدتی شرط است، اما در محاربه، یک راهزن بیسواد بدون هیچ یک از انگیزه های فوق می تواند مرتکب این جرم حدی شود. 6. در نهایت اینکه طبق ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی اگر فردی به عنوان عضو یک گروه بر ضد اساس نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام به بمب گذاری نماید، مشمول تعریف جرم محاربه نبوده و باغی محسوب میشود. تا اینجا معلوم شد که عنوان محاربه برای تطبیق بر تمامی بمب گذاری های تروریستی کفایت نمی کند و جرم انگاری مستقل در این باره ضروری است. اما در مورد بمب گذاری های غیر تروریستی مثل بمب گذاری در ویلای شخصی در مناطق کوهستانی به قصد قتل صاحب خانه به صورتی که جنبه عمومی نداشته باشد و یا جاسازی بمب صوتی در داخل آتش در مراسم چهارشنبه سوری، از آنجا که به ترتیب، مورد اول واجد جنبه خصومت شخصی بوده و طبق فرض جنبه عمومی نداشته است، و مورد دوم فاقد قصد ارباب بوده است، قطعاً مشمول عنوان محاربه نبوده و برخورد با جنبه عمومی این رفتارها مستلزم جرم انگاری مستقل است. در خصوص قابلیت تطبیق عنوان افساد فی الارض موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باید گفت که بر اساس مصادیق مندرج در ماده مذکور، میتوان ارتکاب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد مانند قتل به واسطه بمب گذاری، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور نظیر تهدید به بمب گذاری در وسایل نقلیه عمومی و احراق و تخریب مثل تخریب کیفری اموال دیگران به وسیله بمب گذاری را به شرطی مشمول عنوان افساد فی الارض دانست که هر یک از جرایم پیش گفته «به طور گسترده» و «به گونه ای باشد که موجب اخلاص در نظم عمومی، ناامنی یا ورود خسارت عمده گردد. متأسفانه قانون گذار معیار عینی جهت احراز «گسترده بودن» این جرایم ارائه نکرده است رهبرپور و نور محمدی، ۱۳۹۷ (۲۱۱). اما قطعاً ارتکاب یک بمب گذاری اعم از تروریستی یا غیر تروریستی اگر تنها منتهی به قتل یک نفر یا تخریب یک دیوار گردد مشمول عنوان افساد فی الارض قرار نمی گیرد. افزون بر اینکه جرایم پیش گفته که می توانند تشکیل دهنده عنصر مادی افساد فی الارض باشند، جملگی مقید به نتیجه اند. اما بمب گذاری این گونه نیست. در نهایت اینکه در بمب گذاری بر خلاف افساد فی الارض، قصد اخلاص گسترده یا علم به مؤثر بودن رفتار در چنین اخلاصی لازم نیست. تطبیق عنوان بغی بر تمامی مصادیق بمب گذاری نیز امکان پذیر نیست؛ چرا که در بغی وفق ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی لزوماً انگیزه مقابله مسلحانه علیه «اساس» نظام جمهوری اسلامی ایران باید وجود داشته باشد (رحیمی نژاد و صفرخانی، ۱۳۹۳: ۱۱۳)؛ حال آنکه در بمب گذاری های

تروریستی ممکن است مرتکب با انگیزه جدایی طلبی چنین اقدامی را انجام دهد و در بمب گذاریهای غیر تروریستی ممکن است مرتکب شود.

۱. این سؤال قابل طرح است که اگر یک فقره بمب گذاری موجب جنایت علیه تمامیت جسمانی اشخاص به طور گسترده گردد، آیا افساد فی الارض بر آن صدق می نماید؟ در پاسخ باید گفت که اگر تعابیر مقنن در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی از باب اطلاق تلقی شود آنگاه صرفاً گسترده بودن دامنه رفتار مادی مرتکب ملاک است و نه تعدد رفتار وی در این صورت پاسخ مثبت خواهد بود. اما حقیقت این است که یکی از ابهاماتی که مقنن بدان نپرداخته است این است که آیا تعدد رفتار مجرمانه برای تحقق افساد فی الارض شرط است؟ مراجعه به مصادیق افسادی که در فتاوی معتبر فقهی، مستوجب حکم قتل مرتکب است نظیر قتل اهل ذمه و سرقت، کفن نشان دهنده لزوم تعدد رفتار است. با انگیزه تحصیل مال صاحب خانه، در کنار گاو صندوق وی بمب گذاری نماید.

ضرورت جرم انگاری بمب گذاری در نظام حقوقی ایران

در این قسمت، سعی می شود تا با توجه به شیوع موضوع بمب گذاری در منطقه خاورمیانه و افزایش نسبی آن در دهه های اخیر در ایران و بر مبنای اقتضائات یک سیاست کیفری جامع و منسجم در قبال بمب گذاری، دلایل مربوط به ضرورت جرم انگاری این پدیده جنایی تبیین گردد. ۱. جرم انگاری از باب مقدمه حرام و جرم مانع؛ لزوم مقابله با وضعیت و حالت خطرناک به لحاظ فقهی رفتارهایی که مقدمه حرام بوده و مشتمل بر ه اجتماعی باشند، نظیر خرید و فروش آلات قماربازی یا بنگ و حشیش، حرام و قابل تعزیرند (نقدی نژاد ۱۳۹۰: ۳۰) مفسده اجتماعی مترتب بر رفتارهای فوق از نظر ایجاد زمینه فساد تا حدی است که رفتارهای مذکور از قالب عنوان شروع به جرم خارج شده و از سوی مقنن ایرانی در موادی همچون ۷۰۶ و ۷۰۷ قانون تعزیرات، به شکل مستقلی مفسده جرم انگاری شده اند. این مبنا در حقوق کیفری تحت عنوان تئوری «جرم مانع» مطرح می شود. بر اساس این تئوری، از آنجا که ارتکاب یک رفتار مقدماتی خطرناک می تواند موجب تحقق یک جرم و خساراتی هرچند غیر فوری برای جامعه شود، این رفتار باید جرم انگاری شود تا وضعیت خطرناک در نطفه خفه شده و دفاع اجتماعی محقق گردد. رفتارهایی مانند حمل سلاح غیر مجاز و تبانی برای ارتکاب جرم، بر همین مبنا جرم انگاری شده اند (نجفی ابرند آبادی، حبیب زاده، و بابایی، ۱۳۸۳: ۲۶). علاوه بر وضعیت خطرناک، می توان به بروز حالت خطرناک مرتکب و لزوم مقابله با آن در چنین رفتارهایی توجه نمود. جای بسی شگفتی است که چگونه نظام قانونی ایران، تبانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت را در ماده ۶۱۰ قانون تعزیرات جرم انگاری نموده و برای آن دو تا پنج سال حبس در نظر گرفته است، اما جرم انگاری بمب گذاری را به بوته فراموشی سپرده است.

۲. جرم انگاری بر اساس قابلیت جنایی وسایل مجرمانه

برخی بر این باورند که مواد منفجره و از جمله بمب، صرفاً وسیله ارتکاب جرم احراق یا تخریب کیفریاند و نوع وسیله تنها در تشدید مجازات مرتکبان این جرایم مؤثر است (شامبیاتی، ۱۳۸۲: ۳۲۰). با این حال حقیقت این است که بمب گذاری و انفجار بمب به علت خطرات بالقوه و بالفعل گسترده افزایش توانمندی مرتکبان جهت ایراد ضرر جانی و مالی و ایجاد ترس و هراس در بین مردم از جمله رفتارهایی اند که برای بسیاری از نظام های حقوقی موضوعیت داشته و به طور مستقل مورد جرم انگاری قرار گرفته اند. از جمله نظام حقوقی انگلستان از سال ۱۸۸۳ میلادی، قانون مستقلی تحت عنوان «قانون مواد منفجره» ه به تصویب رسانده است که بر خلاف قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز» مصوب ۱۳۹۰ در حقوق داخلی ایران، صرفاً

به مجازات قاچاق یا خرید و فروش و حمل و نگهداری مواد منفجره محدود نشده و صراحتاً علاوه بر انفجار مواد منفجره به کارگیری آنها جهت انفجار را نیز جرم انگاری نموده است.

۳. لزوم تعقیب کیفری شروع به بمب گذاری در نظام تقنینی فعلی ایران

«هر کسی در کنار ساختمانی بمب گذاری کند ولی قبل از انفجار بمب، ساختمان در اثر وقوع زلزله فرو بریزد، شخص بمب گذار را حداکثر می توان حسب مورد، به شروع به تخریب کیفری محکوم نمود میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۲۰۸. در حال حاضر، امکان تعقیب کیفری شروع به بمب گذاری وجود ندارد؛ زیرا بمب گذاری در قوانین فعلی در حد یک شروع به تخریب کیفری است و منطقاً امکان جرم دانستن «شروع به شروع به جرم» وفق ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی وجود ندارد مگر آنکه نفس بمب گذاری جرم انگاری گردد.

۴. ایجاد انسجام در قوانین ناظر بر تخریب کیفری به وسیله بمب گذاری

همان طور که پیشتر اشاره شد ماده ۶۷۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ استفاده از مواد منفجره را صرفاً در مورد جرایم احراق یا تخریب مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ همان قانون، موجب تشدید مجازات مجرمان دانسته است. این در حالی است که هیچ دلیل منطقی برای منحصر نمودن چنین تشدید مجازاتی به دو ماده مذکور وجود ندارد و جرایم مهم دیگری همین فصل بیست و پنجم وجود دارد که درباره آنها سخنی از به کارگیری مواد منفجره به میان نیامده است؛ به خصوص در مورد ماده ۶۸۷ قانون مذکور که «در این ماده حتی تفاوتی میان ایجاد حریق و تخریب پیش بینی نشده است» (اسدی جونوشی، و وروایی، ۱۳۹۷: ۳۳۶).

۵. حمایت کیفری کامل از صنایع انرژی و محیط زیست در برابر بمب گذاری

همان گونه که در مطالب قبلی مشاهده گردید مقنن ایرانی در برخی از قوانین به طور پراکنده به حمایت کیفری از برخی از صنایع مهم مانند صنعت نفت، ذوب آهن، فولاد و ماشین سازی پرداخته است قوانین مربوطه علاوه بر قدیمی بودن، حمایت جامع، متناسب و طبقه بندی شده ای را از کلیه صنایع و منابع انرژی بر حسب مورد، در مقابل بمب گذاری انجام نداده اند. در حوزه محیط زیست این پراکندگی و ضعف قانونی بیش از سایر حوزه هاست.

۶. ارائه مفهوم شناسی دقیق از انواع بمبگذاری جهت استفاده در سایر قوانین

در حال حاضر برخی از قوانین داخلی مانند «قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» صراحتاً به بمب گذاری در اماکن عمومی به عنوان یک جرم تروریستی استناد نموده اند. اما این اشاره به یک عنوان مجرمانه بین المللی که برای تبیین مفهوم و مبارزه با آن، یک کنوانسیون مستقل بین المللی تحت عنوان سرکوب بمب گذاری های تروریستی» در سال ۱۹۹۷ تصویب شده است، کاری ناقص و موجد اشکالاتی است؛ گونه توضیحی درباره عنصر روانی اعم از عمد در فعل و قصد نتیجه در بمب گذاری تروریستی از قانون مبارزه با تأمین مالی «تروریسم» فهمیده نمی شود. از این رو نمی توان در یک نظام حقوقی، بمب گذاری را جرم انگاری نکرد و مفهوم شناسی مجرمانه آن را وضع نمود، اما انتظار داشت که قوانین کیفری دیگری بر پایه مفهوم گذاری مصادیق رفتارهای مجرمانه خود مثل تأمین مالی تروریسم را به درستی بازشناسند. در چنین وضعیتی نظام تقنینی کنونی ایران بر خلاف اصل بنیادین قانونی بودن جرایم، عنصر قانونی مشتمل بر تعریف عنصر مادی و روانی بمب گذاری را تأسیس ننموده است.

۷ طبقه بندی مجازاتها برای انواع بمب گذاری ها

در صورتی که بمب گذاری، جرم انگاری نشود، امکان طبقه بندی و متناسب سازی مجازاتها بر حسب میزان شدت و وخامت بمب گذاریها وجود نخواهد داشت. قطعاً مجازات برابر برای قرار دادن یک بمب صوتی در چهارشنبه سوری و یک بمب کشتار جمعی در یک ورزشگاه، عادلانه نخواهد بود.

۳. عناصر جرم بمب گذاری

حال که ضرورت جرم انگاری بمب گذاری و خلأ تقنینی در این باره در نظام حقوقی ایران به اثبات رسید میتوان ارکان اصلی سیاست کیفری پیشنهادی را در این راستا با بررسی عناصر، قانونی مادی و روانی این جرم آغاز نمود.

۳-۱. عنصر قانونی

در خصوص عنصر قانونی برای بمب گذاری مهمترین نکته، تفکیک بمب گذاری تروریستی از بمب گذاری غیر تروریستی است درباره تعریف بمب گذاری تروریستی، می توان کنوانسیون «سرکوب بمب گذاریهای تروریستی» ۱۹۹۷ و «قانون تروریسم» ۲۰۰۰ انگلستان را ملاک عمل قرار داد. در نتیجه سایر بمب گذاریها، غیر تروریستی تلقی خواهند شد.

۳-۲. عنصر مادی

عنصر مادی هر جرمی عبارت است از رفتار فیزیکی، موضوع جرم، وسیله ارتکاب، ویژگی های مرتکب و شرایط زمانی و مکانی ارتکاب آن جرم (الهام و برهانی، ۱۳۹۶: ۱/۲). در این قسمت سعی میشود خطوط اصلی لازم الرعایه برای طراحی سیاست کیفری ناظر بر عنصر مادی بمب گذاری مورد اشاره قرار گیرد.

۳-۲-۱. رفتار فیزیکی

رفتار فیزیکی در بمب گذاری تنها به صورت ارتکاب فعل قابل تصور است. این رفتار می تواند به صورت تحویل «بمب یا جاسازی آن در مکان مورد نظر جهت انفجار و یا منفجر نمودن بمب در مکان مورد نظر باشد اما با توجه به توضیحاتی که در مقدمه داده شد بهتر است شلیک، بمب تحت عنوانی مستقل و در کنار بمب گذاری، مورد جرم انگاری قرار گیرد.

۳-۲-۲. وسیله جرم یک سیاست کیفری

عقلایی میان بمب گذاری به وسیله یک بمب صوتی و بمب گذاری با یک بمب کشتار جمعی نظیر بمب شیمیایی و یا اتمی تفاوت قائل می شود؛ چرا که قدرت تخریبی و آثار زیانبار این بمبها اساساً با یکدیگر قابل مقایسه نیست. بر اساس همین منطق در مجموعه قوانین ایالت کارولینای جنوبی آمریکا به موجب بخش ۱۶۰ از فصل هفتم از عنوان شانزدهم استفاده غیر مجاز از بمب های تهوع آور یا سایر افزارهای حاوی گازهای تهوع آور یا رنجاننده» به طور خاص جرم انگاری شده است. که بر اساس آن، جاسازی یا پرتاب یک بمب تهوع آور یا اشک آور یا دودزا که امکان ایراد صدمه یا ایجاد وحشت یا آشوب را دارد، در داخل یک ساختمان فروشگاه،

تئاتر، استادیوم، میدان مسابقات یا تئاتر تصویری یا اقامتگاه یا پانسیون که مردم در آنجا اجتماع، اقامت یا استراحت مینمایند مستوجب سه سال حبس و جزای نقدی تا سه هزار دلار و یا هر دو مجازات است. نکته جالبی که در مجموعه قوانین ایالت نبراسکا» بدان تصریح شده است این است که استفاده از یک بمب «تقلبی» جهت بمب گذاری، در صورتی که قابلیت ایجاد وحشت یا ناآرامی عمومی را داشته باشد، به عنوان یک جنایت درجه ۴ قابل مجازات است. به موجب بند ۲ از بخش ۱۲۲۱ از عنوان ۲۸ از مجموعه قوانین بازنگری شده این ایالت مصوب ۲۰۰۶ میلادی، جاسازی هر گونه بمب تقلبی یا فاقد قدرت تخریبی در یک مکان که به واسطه طرح، ساختار، محتوا یا، ظاهرش نشان دهنده یک بمب واقعی باشد و مرتکب بداند یا بخواهد یا به طور متعارفی باید باور داشته باشد که موجب وحشت یا نا آرامی عمو می شود، جرم تلقی می گردد (Nebraska Revised Statutes, 2006: 28-1221).

28-1221)

۳-۲-۳. موضوع جرم

موضوع هر جرمی، آن ارزشی است که مقنن با جرم انگاری آن رفتار، در صدد حمایت از آن است. از آنجا که بمب گذاری فقط به بمب گذاری تروریستی محدود نمی شود موضوع بمب گذاری میتواند تمامیت جسمانی هر شخص، هر گونه مال منقول یا غیر منقول خصوصی یا عمومی امنیت و آسایش عمومی، تأسیسات عمومی، محیط زیست بهداشت عمومی میراث فرهنگی و تاریخی و تجهیزات نظامی باشد. سؤالی که مطرح می شود این است که آیا در بمب گذاری لازم است وقوع جرم علیه تمامیت جسمانی شخص «دیگر یا اموال متعلق به دیگری» باشد؟ پاسخ به این پرسش در مورد بمب گذاری نمیتواند همان مباحث کلاسیک راجع به جرایم علیه اشخاص و علیه اموال را در پی داشته باشد؛ زیرا به موجب اصل ضرر در مبانی جرم انگاری، اگر فردی رفتاری را علیه تمامیت جسمانی و یا اموال خود مرتکب شود، اما این رفتار موجب ایجاد ضرری برای سایر افراد شود چنین رفتاری مجرمانه تلقی می شود. بر اساس همین منطق ماده ۲۵۴ قانون جزایی، مصر مالکی را که به واسطه آتش افروزی در ملک خویش موجب ایراد ضرری برای دیگران شود، به شرط احراز سوءنیت، مستوجب سجن یعنی ۳ تا ۱۵ سال حبس میداند برای آگاهی بیشتر ر.ک: قانون العقوبات المصري، ۲۰۰۳ ماده (۲۵۴). از این رو در مورد بمب گذاری نیز اگر به واسطه اطلاع رسانی مرتکب به دیگران احساس ناامنی و اختلال در نظم و آسایش عمومی ایجاد شود، ارتکاب چنین رفتاری حتی علیه شخص مرتکب یا اموال وی باید جرم انگاری گردد.

۳-۲-۴. ویژگی های مرتکب

در صورتی که یک فرد، نظامی مرتکب بمب گذاری در اموال، اماکن، تأسیسات، وسایل نقلیه و اسلحه و مهمات نیروهای مسلح گردد، می توان سیاست کیفری شدیدتری را در قبال وی در پیش گرفت. یکی دیگر از ویژگی هایی که برخی از مرتکبان بمب گذاری دارند انتحاری بودن آنان است. عامل انتحاری به لحاظ داشتن عقاید و انگیزه های خاص چنانچه دارای ارکان مسئولیت کیفری باشد، حالت خطرناک خود را بروز داده و در صورت دستگیری قبل از انفجار مستحق ضمانت اجراها و تدابیر خاص کیفری و جرم شناختی است.

۳-۲-۵. ویژگیهای زمانی و مکانی

بمب گذاران معمولاً جهت افزایش آسیب ها و تلفات، زمانها و مکانهایی را کنند که تجمع افراد در آنها زیاد است. بسیاری از بمب گذاری ها در دو دهه اخیر در زمانها یا مکانهای مقدس مذهبی ارتکاب یافته اند. از این رو در عنصر مادی بمب گذاری باید به این عامل نیز توجه گردد. علاوه بر این، بمب گذاری در زمان انتخابات و یا در محل برگزاری آن به جهت جنبه های امنیتی، مستلزم توجه ویژه ای است. در حال حاضر در قوانین مربوط به انتخابات مختلف، به این امر توجهی نشده است.

۳۳ عنصر روانی

عنصر روانی عبارت است از فعل و انفعال ذهنی مجرمانه که در رابطه با اجزای عنصر مادی یک جرم محقق می شود. طبق اصل عمدی بودن جرایم بدین معنا که مقنن اصولاً رفتارهای عمدی را جرم انگاری میکند (الهام) و برهانی، ۱۳۹۶: ۱/۱۹۹، علی القاعده منظور از جرم انگاری بمب گذاری جرم انگاری بمب گذاریهای عمدی است. از این رو مرتکب باید نسبت به رفتار فیزیکی اش اعم از «تحویل»، «جاسازی» و یا «منفجر نمودن» بمب، علم و عمد داشته باشد؛ به علاوه باید نسبت به وسیله جرم یعنی («بمب» و موضوع جرم یعنی مال، مکان یا افرادی که بمب را علیه آنان به کار می گیرد، عالم و عامد باشد. بدین ترتیب مرتکب باید بمب را جهت انفجار در مکان مورد نظر «تحویل» یا «جاسازی» نماید. از این رو اگر وی بمب را جهت نگهداری یا انبار نمودن در مکانی قرار دهد نمی توان وی را به جای حمل و نگهداری مواد منفجره، به 1. برای آگاهی بیشتر ر.ک: بند ۱۶ از ماده ۶۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸، بند ۱۶ از ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ و بند ۱۶ از ماده ۴۴ قانون اصلاح قانون تشکیل شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور مصوب ۱۳۶۵، که در مورد ایجاد رعب و وحشت در انتخابات بوده و خالی از اشاره به بمب گذاری هستند. در بمب گذاری محکوم نمود. با توجه به اینکه بمب گذاری یک جرم مطلق بمب گذاریهای غیر تروریستی انگیزه ارتکاب قتل یا صدمات شدید بدنی و یا انگیزه ارتکاب تخریب یا احراق کیفری لازم نیست؛ اما در بمب گذاریهای تروریستی طبق کنوانسیون سرکوب بمب گذاریهای تروریستی و راهنمای قانون گذاری درباره کنوانسیونها و پروتکلهای جهانی ضد تروریسم» که پیشتر اشاره شد، علاوه بر وجود یکی از انگیزه های فوق الذکر، لازم است انگیزه پیشبرد یک هدف سیاسی، مذهبی، نژادی یا عقیدتی نیز وجود داشته باشد.

۴. کیفرگذاری

در نظام حقوقی داخلی، تنها قانونی که از یک نظام طبقه بندی مجازات برای جرایم مواد منفجره استفاده نموده است «قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان اسلحه و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰ است. طبق ماده ۱۱ این قانون، برای قاچاق ساخت و مونتاژ اقلام و مواد تحت کنترل اعم از مواد رادیواکتیو، میکروبی و مواد منفجره، مجازاتهای طبقه بندی شده ای در نظر گرفته شده است. به این ترتیب که مجازات رفتارهای مجرمانه فوق در مورد مواد رادیواکتیو یا میکروبی ۲۵ تا ۳۰ سال، در مورد مواد منفجره نظامی یا شیمیایی ۵ تا ۱۰ سال در مورد مواد ناریه یا مواد منفجره غیر نظامی ۲ تا ۵ سال در صورتی که هدف غیر امنیتی و برای مصارف معدنی باشد ۶ ماه تا ۲ سال) در مورد گازهای بی حس کننده و اشک آور ۲ تا ۵ سال حبس پیش بینی شده است. . طبیعتاً مجازات بمب گذاری به وسیله هر یک از مواد منفجره فوق باید حسب مورد، حداقل یک درجه شدیدتر از مجازات قاچاق همین مواد باشد. به عنوان آخرین بحث در مورد کیفر گذاری میتوان به معاذیر معاف کننده، مخففه و مشدده مجازات بمب گذاری اشاره کرد. یکی از معاذیر مخففه که در ماده ۵ قانون مجازات اخلاگران در امنیت پرواز هواپیما مصوب ۱۳۴۹ و مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات مذکور نیز مورد توجه قرار گرفته است، عذر ندامت و همکاری است. بر این مبنا در صورتی که فرد بمب گذار قبل از بمب گذاری و یا قبل از اطلاع عمومی و ارباب مردم، نادم شده و با همکاری خود موجبات کشف بمب و خنثی سازی آن و رفع خطر را فراهم نماید از مجازات معاف میشود و چنانچه پس از گذاری و اطلاع عمومی و ارباب مردم چنین اقدامی نماید، می تواند موجب تخفیف مجازات وی گردد. برای تشدید مجازات بمب گذاران می توان به عواملی همچون ویژگیهای مرتکب به لحاظ نظامی بودن داشتن شغل یا سمت در مؤسسه موضوع بمب گذاری انتحاری بودن بمب گذاری همچنین ویژگیهای زمانی و مکانی مانند ارتکاب بمب گذاری در اماکن یا زمانهای مقدس مذهبی و یا انتخابات توجه نمود.

نتیجه‌گیری

در خصوص پاسخ دهی به سؤالات ابتدای تحقیق باید گفت با توجه به مطالبی که در این تحقیق بیان شد، بمب گذاری در نظام تقنینی ایران، جرم انگاری نشده است و امکان تطبیق کامل عناوین حدی محاربه افساد فی الارض و بغی بر بمب گذاری های تروریستی و غیر تروریستی وجود ندارد و با عنایت به اینکه بمب گذاری ها، به لحاظ نوع بمب، انگیزه مرتکب و محل بمب گذاری با یکدیگر متفاوت اند، نمی توان سیاست کیفری واحدی را در قبال تمامی انواع بمب گذاری ها دنبال نمود. از این رو اساسی ترین ضرورت تقنینی درباره بمب گذاری در حقوق ایران، جرم انگاری این پدیده جنایی است. در این رابطه اختصاص یک بخش از قانون که مشتمل بر انواع به بمب گذاری ها در اماکن و تأسیسات مختلف باشد و طراحی یک سیاست کیفری جامع، منسجم و متناسب در قبال تمامی گونه های آن امری ضروری است یک پیشنهاد میتواند اصلاح نام و محتوای قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان اسلحه و مهمات غیر مجاز» مصوب ۱۳۹۰ به شکلی باشد که نیازهای مذکور را مرتفع سازد. افزون بر این، بازنگری در قواعد شکلی خاص مورد نیاز مانند آنچه در بند ۴ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری» مصوب ۱۳۷۳ پیش بینی شده است، میتواند راهگشا باشد. البته مقابله کامل با این پدیده، نمی تواند صرفاً به طراحی و اجرای یک سیاست کیفری داخلی» با ویژگی های مورد نظر محدود گردد. بلکه در این باره، توجه به سازوکارهای همکاری های دو یا چندجانبه و همچنین اسناد بین المللی و الحاق ایران به آنها نقش به سزایی در تحقق اهداف بلندمدت خواهد داشت. در پایان باید اذعان داشت که بمب گذاریها در اکثر موارد، برای «بیان» برخی عقاید سیاسی یا مذهبی ارتکاب می یابند. این رفتارها سطح نازل و خشونت باری از طرز «بیان» را در بر دارند که در صورت شکل گیری فضای آزادی بیان، گفتگو میانجیگری و افزایش حضور اقلیتها در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میتوان به پیشگیری از آنها امیدوار بود (اتنف، ۱۳۸۳: ۳۳۸). در حقیقت، سیاست کیفری به تنهایی و بدون اتخاذ یک سیاست جنایی جامع مشتمل بر علت شناسی و پیشگیری از بمب گذاری نمی تواند مفید و مؤثر باشد.

منابع فارسی

- سالاری، محمد 1389 تحلیل جرم طرح براندازی حکومت اسلامی در حقوق کیفری ایران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- صادقی تورانسرای، پیمان 1395 مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری جرایم علیه امنیت در حقوق کیفری ایران، دانشگاه قم، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- صادقیان مقدم، محمد سعید 1389، تهدید علیه امنیت پرواز از منظر حقوق کیفری با رویکردی به نظام رویکردی ایران.
- عمادی کاتب، نرگس 1393 تهدید در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

منابع انگلیسی

- . Amendment to Australian Criminal Code.
 - . Convention on Suppression of Terrorist Bombing, New York, 1997.
 - . Explosive substances Act, United Kingdom, 1883.
 - . Nebraska Revised Statutes, 2006: 28-1221.
 - . Oklahoma State Code, 2014: 21-1767.1.
 - . South Carolina Code, 2012: SC Code 16-7-160.
 - . Terrorism Act, United Kingdom, 2000.
 - . UNODC (United Nations Office on Drugs and Crime), "Legislative Guide to the Universal Anti-Terrorism Conventions and Protocols", 2003 .
- First signed by Belgium, Canada, France, Russia, Sri Lanka, the United Kingdom, and the United States.
- Ratifications Wayback Machin

Islamic Azad university

Mahabad unit

Faculty of Literature and Human Sciences - Department of Law

Dissertation to receive M.A. degree in law

Title :

The approach of Iran's criminal policy towards public bombing

Written by:

Ali Hamid Azar

Summer 2023

Abstract:

The approach of Iran's criminal policy towards public bombing as a terrorist and violent phenomenon is determined based on legal and security principles. As a country in the Middle East, Iran has faced a complex history of security threats and terrorism. General bombing is an act that leads to the killing and wounding of a large number of civilians and irreparable physical and spiritual damage to society. In order to deal with public bombings, Iran's criminal policy relies on ease of access and execution of justice. Iran's criminal laws attempt to reduce the harm caused by public bombings by increasing the punishment for criminals and strengthening supervision and protection of society. Considering the level of danger and the effects of public bombings on the society, Iran's laws under the title (Law on Combating Terrorism) and (Law on Protection of Security and Public Peace) try to seriously examine security threats and impose heavy punishments on the perpetrators. Determine general bombing. In addition, Iran's criminal policy relies on international cooperation to counter public bombings. As a member of the United Nations and other international organizations, Iran participates in the exchange of information and cooperation with other countries in the field of fighting terrorism and general bombing. Iran's criminal policy towards public bombing is based on legal and security principles and tries to maintain the security of the society against this type of threats by implementing strict laws and strengthening international cooperation. The purpose of this research is to examine the approach of Iran's criminal policy towards public bombings, which Iran's legal system has not explicitly and comprehensively criminalized bombings. Only in some laws, in a scattered form, to "placing explosives" in some industries. Is mentioned. However, the commission of this criminal phenomenon in relation to other industries, devices and facilities for public use and the environment has not been subject to coherent legislation. Iran's criminal policy system has developed its own strategies and policies against this type of crime. The type of research method of the current research is descriptive-analytical and applied, which is based on laws, judicial procedures and the teachings of the subject analysis.

Keywords: general bombing, criminal policy, Iranian law